

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی  
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد ( M.A )  
گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی

**عنوان :**

**بررسی خشونت در احکام جزایی و آثار اجتماعی آن  
از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه**

**استاد راهنما:**

**دکتر سید علی پورمنوچهری**

**استاد مشاور:**

**دکتر مجید وزیری**

**پژوهشگر:**

**عزت الله محمد غفوری**

**زمستان ۱۳۹۲**

تقدیم به بهترین های زندگیم

خانواده عزیزم

پاسکزاری:

باساس از استاد بزرگوار دکتر سید علی پور منوچهری که دلسوزانه مراراً بنمائی کردند و  
دکتر محمد وزیر می استاد مشاور محترم که زحمات فراوانی را متحمل شدند.

## بسمه تعالی

### تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب عزت الله محمد غفوری دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۹۰۰۷۶۳۸۵۰ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی که در تاریخ ۹۲/۱۱/۱۲ از پایان نامه خود تحت عنوان: بررسی خشونت در احکام جزائی و آثار اجتماعی آن در فقه و حقوق موضوعه

با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۲/۱۱/۱۲

دانشجوی کارشناسی ارشد عزت‌اله محمد غفوری از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره  
بحروف تمام و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

بسمه تعالی  
 دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی  
 دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
 (این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد: ۱۰۱
کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۴۰۷۹۱۲۰۲۲	
عنوان پایان نامه: بررسی خشونت در احکام جزائی و آثار اجتماعی آن در فقه و حقوق موضوعه	
نام و نام خانوادگی دانشجو: عزت الله محمد غفوری	تاریخ شروع پایان نامه: ۹۱/۱۱/۶
شماره دانشجویی: ۹۰۰۷۶۳۸۵۰	تاریخ اتمام پایان نامه: ۹۲/۱۱/۱۲
رشته تحصیلی: فقه و مبانی حقوق اسلامی	
استاد / استادان راهنما: دکتر سیدعلی پورمنوچهری	استاد / استادان راهنما: دکتر مجید وزیری
<p>چکیده پایان نامه ( شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده):</p> <p>چه در نظام های غیردینی و چه در نظام اسلامی، اعمال خشونت در مواردی پذیرفته است و نمی توان به طور مطلق و به کلی آن را کنار گذارد، چرا که در غیر این صورت امنیت مالی، جانی و معنوی انسان ها به خطر خواهد افتاد و مصالح کشور و حقوق شهروندان از بین خواهد رفت به همین دلیل خشونت خود به خود نه دارای ارزش مثبت است و نه دارای ارزش منفی، بلکه ارزشگذاری آن تابع شرایط و دلایل اعمال آن می باشد.</p> <p>بنابراین، گرچه اسلام دین رحمت و عطف و خداوند متعال ارحم الراحمین است و اصل اولی در اسلام بر رأفت و مهربانی است اما این هیچ گاه به معنای نفی هرگونه برخورد قاطع و اعمال خشونت و شدت در موضع خود نیست.</p> <p>لذا شدت به خرج دادن در برابر کسانی که حریم اسلام و احکام تابناک آن را می شکنند یا جان و مال و آبروی مسلمانان را به مخاطره می افکنند، نه تنها از مصادیق خشونت منفی نیست بلکه از ویژگی های پیامبر(ص) و مؤمنان راستین است.</p> <p>مجازات های اسلامی در ذیل حدود، تعزیرات، قصاص که شماری از آن ها مجازات های سخت بدنی اند همه این قوانین در جهت مهار خشونت و تجاوز جعل شده اند و کلیه مجازات ها در تمام سیاست های فردگرا و جامعه گرا بر مبنای حقوق اجتماعی قرار دارد و هر مجازاتی برای دفاع از حقوق فرد یا جامعه ای در برابر فرد یا جامعه دیگری است، اصل مجازات ها منطقی است.</p> <p>کلید واژه ها: خشونت - حدود - تعزیرات - قصاص - آثار اجتماعی</p>	

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه  مناسب است  تاریخ و امضا:  
 مناسب نیست

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
	فصل اول: کلیات
۳	مقدمه
۵	بخش اول : طرح تحقیق
۵	۱-۱-۱ بیان مسئله
۷	۱-۱-۲ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن
۷	۱-۱-۳ هدف های تحقیق
۸	۱-۱-۴ روش تحقیق
۸	۱-۱-۵ قلمرو تحقیق
۸	۱-۱-۶ پیشینه ی تحقیق
۸	۱-۱-۷ سئوالات تحقیق
۹	۱-۱-۸ فرضیات تحقیقات
۱۰	۱-۱-۹ تاریخچه خشونت
۱۲	۱-۱-۱۰ کاربرد خشونت
۱۳	بخش دوم: واژه شناسی
۱۳	۱-۲-۱ معنای لغوی خشونت
	فصل دوم: انواع خشونت
۱۹	مقدمه
۲۱	۱-۲ بخش اول: مجازات و کیفر
۲۲	۲-۲ خشونت در کشف جرم (شکنجه)
۲۳	۳-۲ جرایم اجتماعی
۲۳	۴-۲ انحراف اجتماعی
۲۴	۵-۲ ابعاد خشونت
۲۴	۱-۵-۲ خشونت های فیزیکی و غیرفیزیکی



۲۴	..... ۲-۵-۲ خشونت قانونی و غیرقانونی
۲۵	..... ۳-۵-۲ خشونت مفید و مضر
۲۶	..... ۴-۵-۲ خشونت های نیک
۲۸	..... بخش دوم - راههای مبارزه ریشه ای با جرم و انحراف
۲۸	..... ۱-۲-۲ تجدید هویت دینی
۲۸	..... ۲-۲-۲ اصلاح محیط
۲۹	..... ۳-۲-۲ رفع فاصله طبقاتی
۲۹	..... ۴-۲-۲ تحکیم نظام خانواده
۲۹	..... ۵-۲-۲ پیشگیری وضعی
۳۰	..... ۶-۲-۲ پیش بینی مجازات
۳۱	..... ۷-۲-۲ تأثیر نظام کیفری اسلام در تأمین و برقراری نظام اجتماعی
۳۴	..... بخش سوم - نمودهای رحمت الهی در مجازات ها:
۳۶	..... ۱-۴-۲ بخش چهارم: مداراهای نیک و سیره پیامبر اسلام (ص)
۳۸	..... بخش پنجم: مدارا
۴۳	..... ۱-۵-۲ مدارای صدق یا خدعه
۴۳	..... ۲-۵-۲ مدارا از سر قدرت یا مماشات از سر فتور
۴۳	..... ۳-۵-۲ خشونت، شر ضروری، قهر از سر مهر
	فصل سوم: عامل کرامت انسانی در تفسیر خشونت
۴۴	..... در احکام جزایی و آثار اجتماعی آن
۴۵	..... بخش اول: کرامت انسانی
۴۵	..... ۱-۱-۳ حق کرامت انسانی
۴۵	..... ۱-۱-۳-۱ کرامت ذاتی
۴۷	..... ۲-۱-۳ کرامت ارزش عالی
۴۸	..... ۲-۱-۳ اصل کرامت انسانی
۴۸	..... ۳-۱-۳ نقش کرامت انسانی در نظام حقوق بشر در الغای مجازات ها
۴۹	..... ۴-۱-۳ مبانی نظری کرامت انسانی در نظام حقوق بشر
۵۱	..... ۵-۱-۳ برآیند مبانی نظری کرامت انسانی از دیدگاه حقوق بشری در الغای مجازات ها

بخش دوم .....	۵۴
۱-۲-۳ نقش و تفسیر کرامت انسانی به مثابه مبنای مجازات ها در نظام حقوقی اسلام .....	۵۴
۲-۲-۳ مبانی نظری کرامت انسانی در نظام حقوقی اسلام .....	۵۴
۳-۲-۳ برآیند مبانی نظری کرامت انسانی از دیدگاه نظام حقوقی اسلامی در تجویز مجازات سالب حیات .....	۵۷
۴-۲-۳ شأن نزول آیه قصاص .....	۵۹
۵-۲-۳ تفسیر .....	۵۹
فصل چهارم: مبانی فقهی قصاص، حدود تعزیرات	
و شبهات مطرح شده و پاسخ به آنها .....	۶۶
۲-۴ بخش دوم: مبانی فقهی حدود .....	۷۰
۳-۴ بخش سوم: مبانی فقهی تعزیرات .....	۷۱
۴-۴ بخش چهارم: شبهات و پاسخ به آن ها .....	۷۳
۱-۴-۴ شبهه اول .....	۷۳
۲-۴-۴ شبهه دوم .....	۷۴
۳-۴-۴ شبهه سوم .....	۷۵
۴-۴-۴ شبهه چهارم .....	۷۵
۵-۴-۴ شبهه پنجم .....	۷۶
۶-۴-۴ شبهه ششم .....	۷۷
۷-۴-۴ شبهه هفتم .....	۷۸
۸-۴-۴ شبهه هشتم .....	۸۱
۹-۴-۴ شبهه نهم .....	۸۴
نتیجه .....	۸۷
پیشنهاد .....	۸۹
منابع و مأخذ .....	۹۰

## چکیده

چه در نظام های غیردینی و چه در نظام اسلامی، اعمال خشونت در مواردی پذیرفته است و نمی توان به طور مطلق و به کلی آن را کنار گذارد، چرا که در غیر این صورت امنیت مالی، جانی و معنوی انسان ها به خطر خواهد افتاد و مصالح کشور و حقوق شهروندان از بین خواهد رفت به همین دلیل خشونت خود به خود نه دارای ارزش مثبت است و نه دارای ارزش منفی، بلکه ارزشگذاری آن تابع شرایط و دلایل اعمال آن می باشد.

بنابراین، گرچه اسلام دین رحمت و عطف و خداوند متعال ارحم الراحمین است و اصل اولی در اسلام بر رأفت و مهربانی است اما این هیچ گاه به معنای نفی هرگونه برخورد قاطع و اعمال خشونت و شدت در موضع خود نیست.

لذا شدت به خرج دادن در برابر کسانی که حریم اسلام و احکام تابناک آن را می شکنند یا جان و مال و آبروی مسلمانان را به مخاطره می افکنند، نه تنها از مصادیق خشونت منفی نیست بلکه از ویژگی های پیامبر(ص) و مؤمنان راستین است.

مجازات های اسلامی در ذیل حدود، تعزیرات، قصاص که شماری از آن ها مجازات های سخت بدنی اند همه این قوانین در جهت مهار خشونت و تجاوز جعل شده اند و کلیه مجازات ها در تمام سیاست های فردگرا و جامعه گرا بر مبنای حقوق اجتماعی قرار دارد و هر مجازاتی برای دفاع از حقوق فرد یا جامعه ای در برابر فرد یا جامعه دیگری است، اصل مجازات ها منطقی است.

کلید واژه ها: خشونت - حدود - تعزیرات - قصاص - آثار اجتماعی

# فصل اول: کلیات

## مقدمه

هر فرهنگی برای امکان پذیر کردن مسائلی مجموعه ای از شیوه های بیان را پرورش می دهد، این شیوه های بیان از دیدگاه های مختلف دسته بندی می شود، مثلاً می توان از زبان ایماء و اشاره، زبان هنر، زبان روزمره و بالاخره زبان عملی سخن گفت و نیز زبان، ابراز محبت، زبان خواهش، زبان گفتگو و قانع کردن، زبان فرماندهی و دست آخر زبان خشونت، گفته شده که زبان ریاضی بر بقیه ی زبان ها این امتیاز را دارد که جایی برای ابهام آفرینی و دو پهلوگویی نمی گذارد. از این نظر زبان خشونت از زبان ریاضی نیز پیشی می گیرد زبان خشونت از همه ی زبان ها روشن تر است.

محبت و مدار و عطف، از واژه های زیبا و ستودنی است که دارندگان آن، اعم از انسان و مکتب، مورد تحسین و ستایش قرار می گیرند، در مقابل، واژه هایی مانند تنفر، انزجار و خشونت مورد ذم و سرزنش است. این حکم عقل و فطرت است و هیچ نزاع و مناقشه ای بر نمی انگیزد، اما نکته اساسی در تطبیق آن بر صغریات است که در عرصه های مختلف، چالش های گوناگونی را سبب شده است. برخی، که شعاع تفکر و دیدشان کوتاه است، به صرف مواجهه با یک نظریه یا عمل به ظاهر خشونت انگیز از سوی انسان یا مکتبی، آن را محکوم و توبیخ می کنند، اما واقع گرایان بدون شتاب و افتادن در دام احساسات و عواطف، به کالبد شکافی و تحلیل و تبعات آن می پردازند.

بر این اساس، گروهی از عالمان غرب در مقایسه ی مسیحیت و اسلام به تمجید و ستایش مسیحیت پرداخته اند، چرا که از منظر آنان مسیحیت، آیین محبت و عاری از خشونت و قوانین خشن است و به عکس، اسلام آیین شمشیر و حاوی احکام اجتماعی و جزایی و خشونت زا.

جان هیک، متفکر و پلورالیست معروف معاصر، می گوید: این خال بر چهره اسلام است که برخی از کشورهای اسلامی مجازات زننده و غیر انسانی در حق مجرمان روا می دارند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۹،

در این میان، آنچه چهره می نماید تمایل و تأثر بعضی از روشنفکران اسلامی از استناد و مقایسه، مزبور است و در این مقوله با غربیان هم داستان شده و می کوشند آیین مقدس اسلام را خشونت زا معرفی کنند.

خشونت پنداران آیین مقدس با تقریرات خود به اثبات مدعا دست می زنند، برخی گوهر دین را بستر خشونت توصیف می کنند و برخی دیگر آیین اسلام را حاوی مبانی معرفتی و سیاسی، گروه دیگری هم احکام اجتماعی و جزایی اسلام را خاستگاه رشد و نمو خشونت توصیف می کنند و به زعم خود برای زدودن خشونت از چهره اسلام، خواهان تغییر و تحولات عمقی و جوهری در مبانی علوم کلامی و فقهی و سیاسی اسلام شده اند.

پیشینه ی این صدا با پیشینه سکولاریسم در اسلام در هم آمیخته و در حقیقت، حذف قوانین اجتماعی دینی بخشی از ادعای سکولاریست هاست.

نوشتار حاضر به تحلیل احکام جزایی و آثار اجتماعی آن و ترابط آن با خشونت در چند فصل می پردازد.

## بخش اول : طرح تحقیق

### ۱-۱-۱ بیان مسئله

خشونت، پدیده هولناکی است که موجب سلب امنیت و آسایش زندگی بشر می گردد. از خفیف ترین جرایم که علیه اموال صورت می گیرد تا شدیدترین جنایاتی که علیه جسم و حیات انسان مرتکب می یابد، همه از مصادیق خشونت هستند، در مقابل انسان چگونه از حیات و تمامیت خود دفاع کند؟ راهی مؤثرتر از برخورد متقابل با خشونت طلبان و مجرمان وجود دارد..اما اسلام، ارزش های معنوی و مادی انسان را مورد حمایت قرار داده و در مقابل تجاوز و خشونت هایی که علیه این حقوق و ارزش ها اعمال می شود، سیاست جزایی شامل تدابیر غیر کیفری و کیفری، اتخاذ کرده و برای تهذیب نفوس، پاسداری از مصالح امت، بسط عدالت و امنیت اجتماعی و حفظ ارزش های جامعه نیز شیوه هایی به کار گرفته که در آخرین مرحله آن، نوبت به اجرای مقررات جزایی و اقامه حدود و تعزیرات می رسد اسلام، شریعت سمحه و سهله است و در آن به تسامح و گذشت و عفو سفارش شده و خداوند، و پیامبر(ص) را برای گسترش رحمت در اجتماعات بشری برانگیخته است. در سیاست جزایی اسلام اولین مرحله مبارزه با جرم صد البته توسط به خشونت و کیفر نیست، بلکه با ریشه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن ها مقابله می شود تا از بین بردن علل و عوامل، از شکل گیری فکر مجرمانه و تصمیم به ارتکاب خشونت جلوگیری می کند، مرحله ی بعد مبارزه با شرایطی است که معمولاً خشونت و جرم در آن ها واقع می شود یعنی با وجود تصمیم و انگیزه، امکان وقوع جرم و خشونت، سلب می گردد.

بنابراین اسلام در راه مبارزه با جرم و اصلاح مجرمان مرحله به مرحله و به طور مسالمت آمیز پیش رفته و در پرتو قوانینی که از دریای رحمت بیکران الهی نشأت گرفته، در اصلاح و تهذیب و حمایت از فرد و جامعه کوشیده است با این حال اگر در گروهی هیچ یک از این شیوه های مسالمت آمیز در تربیت آن ها مؤثر واقع نشود، در این صورت حفظ مصلحت جامعه و افراد اقتضا می کند که با سیاست کیفری سنجیده، مبارزه علیه خشونت ها و جرایم در پیش گرفته شود. این مرحله را اسلام از سر ضرورت، پذیرفته و از بررسی آیات و روایاتی که در مورد مجازات ها وجود دارد، به دست می

آید که پذیرش مجازات‌ها از باب ضرورت اجتماعی است و تأکید بیشتر اسلام بر راهکارهای پیشین یعنی مبارزه ریشه‌ای تر و اصلاح و در مان بوده است. اگرچه اجرای همه این اقدامات در طول یکدیگر بوده بلکه همزمان باید نسبت به همه‌ی آن‌ها اهتمام ورزید برای مثال اگر تبعیض و فاصله طبقاتی، تجمل‌گرایی و عواملی از این قبیل، طبقات ضعیف جامعه را به خشونت و ارتکاب جرایم تحریک کند و در مقابل آنان بدون توجه به عوامل اصلی، صرفاً به سرکوب و مجازات اکتفا شود قطعاً اجحاف شده است اما به بهانه وجود عوامل جرم‌زای و بی‌عدالتی‌های موجود هم نمی‌توان حدود و احکام الهی را تعطیل نمود، زیرا سیاست جزایی اسلام در همه ابعاد، راهکار نیست که خشونت افراد علیه جامعه و خشونت جامعه علیه افراد را به حداقل ممکن خواهد رساند. در غیر این صورت توجه صرف به حقوق افراد (مجرمین)، آمار خشونت و بزه را افزایش می‌دهد، اگرچه صرفاً توجه به سرکوب و مجازات نیز مبارزه با معلول بوده و تأثیر چندانی نخواهد داشت.

در سیاست کیفری از مرحله تصویب قوانین تا به کارگیری و اجرای آن‌ها هیچ‌گاه نباید هدف اصلی که حفظ امنیت و تکامل جامعه و جلوگیری از تکرار جرایم است، از نظر دور بماند.

در قوانین کیفری اسلام، مجازات، انتقام نیست بلکه وسیله‌ای برای احیای بشریت است امام صادق(ع) می‌فرماید: حد یقام فی الارض اولی فیها من مطر اربعین ليله و ایامها. (حرعاملی، بی‌تا، ج ۲۸، ۱۲)

اگر یک حد از حدود الهی در زمین جاری شود پاک‌کننده تر و نافع تر از بارانی است که چهل شبانه روز ببارد. اگر خشونت در موارد قانونی و در جای خود اعمال شود به عنوان یک ضرورت اجتماعی، قابل قبول است اما خشونت در جای تسامح همان قدر غلط است که تسامح در جای خشونت.

بدون شک اسلام آیین رحمت و طلایه دار سعادت و نیک‌فرجامی انسان است. چنین مرامی نه اصل را بر خشونت می‌گذارد و نه در برابر خطرات و آفات و عوامل بازدارنده‌ی سعادت فرد و جامعه، تساهل و تسامح می‌ورزد. (شاکرین، ۱۳۸۱، ۱۷)

قوانین جزایی برای تربیت مجرمین و برای برقراری نظم در جامعه ضروری و لازم است هیچ چیز دیگری نمی‌تواند جانشین آن گردد. (مطهری ۱۳۶۱، ۲۳۱)



هر اندازه تربیت، درست و نظام اجتماعی، عادلانه و سالم باشد باز افراد طاغی و سرکش پیدا می شوند که تنها راه جلوگیری از آن ها مجازات ها و کیفرهاست که احیاناً باید سخت و شدید باشد. (همان منبع)

اصل در صفات الاهی رحمت است و غضب و عقوبت جنبه ثانوی دارد و به تعبیر فلسفی مطلوب بالعرض است. (شاکرین، ۱۳۸۳، ۱۹)

### ۱-۱-۲ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن

برخی از روشنفکر نماهای غرب زده و مستشرقان غربی ادعا کرده اند بخشی از احکام جزائی و قوانین کیفری اسلام دارای خشونت بوده و با حقوق مسلم بشر سازگاری ندارد و نه آن سان که برخی مستشرقان و روشنفکران ادعا کرده اند اسلام خشونت گر است و نه چنان که خواستاران اباحیگری و تساهل لیبرالی در جست و جوی آنند، مسامحه گر می باشد. بدون شک اسلام آیین رحمت و طلایه دار سعادت و نیک فرجامی انسان است اینک جا دارد پیرامون خشونت با توجه به سیاست کیفری اسلام به طور مفصل پرداخته و بحث گردد.

### ۱-۱-۳ هدف های تحقیق:

در سیاست کیفری اسلام هدف اصلی حفظ امنیت و تکامل جامعه و جلوگیری از تکرار جرایم است. در قوانین کیفری اسلام، مجازات انتقام نیست بلکه وسیله ای برای احیای بشریت است یا به عبارت دیگر هدف شریعت اسلام در همه ابعاد حتی در مقام کیفری اش به طور مسلم، اصلاح نفوس و تهذیب و تلاش جهت سعادت جوامع بشری است.

روشن است که اسلام در کیفر مجرمان هم به حفظ حیات جامعه و مصالح عمومی و حقوق مجنی علیه و اولیای مقتول اهتمام ورزیده، و هم به عواطف بشری و حفظ برادرانه و دوری از کینه و انتقام جویی توجه نموده است و همچنین روشن می شود که سیاست کیفری اسلام جهت محو خشونت در قالب جرم و مجازات است.

در این تحقیق مصمم ایم تا اهم دیدگاه های فقه و قانون را در ارتباط با مسئله شبهه خشونت در احکام جزایی و آثار اجتماعی آن را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

#### ۱-۱-۴ روش تحقیق:

شیوه تحقیق به لحاظ نوع موضوع مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و توصیفی و تحلیلی و فیش برداری و استفاده از شبکه اینترنت می باشد.

#### ۱-۱-۵ قلمرو تحقیق

به کتابخانه های معتبر مجلس و ملی و علوم قضایی و حوزه ی علمیه قم و فرهنگسراها و دانشگاه آزاد اسلامی مراجعه هیچ گونه پایان نامه و کتابی به این عنوان تحقیق وجود نداشت با سعی و تلاش از لابلائی کتب فقهی و تفاسیر و مقالات مربوط مطالب را جمع آوری و پایان نامه را تألیف نمودم.

#### ۱-۱-۶ پیشینه ی تحقیق

درباره موضوع این تحقیق تا آن جایی که مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت، پیرامون آن مقالات بسیار کمی نوشته شده است و از طرفی نیز هیچ گونه پایان نامه ای نیز در این مورد موجود نمی باشد.

#### ۱-۱-۷ سئوالات تحقیق

- ۱- مفهوم خشونت چیست؟
- ۲- رابطه اسلام با خشونت چگونه است؟
- ۳- آیا اعمال احکام جزایی اسلام خشونت تلقی می شود؟
- ۴- فلسفه حکم قصاص در اسلام چیست؟
- ۵- سیره پیامبر اسلام (ص) در رابطه با خشونت چگونه بوده است؟

## ۸-۱-۱ فرضیات تحقیقات

**فرضیه اول:** هرگونه اقدام عمدی و آگاهانه که با امیال، علایق، باورها، اعتبار، حیثیت فرد یا گروهی مغایر باشد و سبب ترس یا رنج یا اضطراب گردد می توان خشونت نامید.

**فرضیه دوم:** خشونت ذاتاً نه ارزش است و نه ضد ارزش، نه مطلقاً رواست و نه کاملاً ناروا، بلکه دارای ارزش نسبی بوده و تابع شرایط می باشد این رویکرد کاملاً واقع بینانه و خردپذیر است، نگرش اسلام بسیاری از ادیان الهی و بشری بر آن توافق و صحه می گذارند.

**فرضیه سوم:** اعمال احکام جزایی اسلام و شدت به خرج دادن در برابر کسانی که حریم اسلام و احکام تابناک آن را می شکنند یا جان و مال و آبروی مسلمانان را به مخاطره می افکنند نه تنها از مصادیق خشونت منفی نیست بلکه از ویژگی های پیامبر اکرم(ص) و مؤمنان راستین است.

**فرضیه چهارم:** قرآن مجید به بیان یکی از فلسفه های مهم اجتماعی حکم قصاص پرداخته، آن را مبارزه ای قاطع در برابر خشونت طلبی و آدم کشی معرفی نموده است. یکی از احکام اصیل و سرنوشت ساز در اسلام که تأثیر فراوانی در امنیت و آسایش جامعه داشته و دارد و تشریح قصاص به هیچ وجه جنبه انتقام جویی ندارد بلکه دریچه ای است به سوی حیات و زندگی انسان ها.

بنابراین تشریح قصاص به منظور پیشگیری از تکرار ظلم و ستم بر اجتماع است و هدف آن عدالت خواهی و حفظ امنیت اجتماع از تخلفات و حمایت از سایر افراد بی گناه می باشد. قصاص و عفو یک مجموعه عادلانه است.

**فرضیه پنجم:** قرآن مجید رفتار حضرت رسول (ص) را چنین بیان می کند وَ أَتَكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ(قلم، ۴). تو اخلاق عظیم و برجسته داری، تاریخ صدر اسلام و سیره آن حضرت گواهی روشن و گویاست بر مهر بیکران پیامبر(ص)، اما در عین حال این لطف و نرم خویی هرگز به صورت انفعال ناشی از ضعف در نیامد. گرچه در برابر دشمنان خود با سعه صدر و عطوفت رفتار می نمود اما در برابر دشمنان خدا و مردم با صلابت و استواری می ایستاد، برای دفاع از دین و پاسداری آن، اندکی مداهنه و سازش نمی کرد.

## ۱-۱-۹ تاریخچه خشونت

مسئله خشونت و مشکلات ناشی از آن، مطلب تازه ای نبوده و منحصر به اجتماع امروز ما نیست. خوب یا بد، خشونت از خصائص انسان هاست. از روزی که بشر پا به عرصه وجود گذاشت پدیده خشونت نیز با وی متولد شده است، در قرآن کریم آمده است که وقتی خداوند تبارک و تعالی تصمیم گرفت انسان را خلق نماید. فرشتگان را خبر داد که مخلوقی تازه در زمین خواهم آفرید که در زمین خلیفه من باشد و آن را معمور سازد چون فرشتگان حکمت خلقت انسان را نمی دانستند در پیشگاه خداوند عرضه داشتند که آیا کسی را در زمین خلیفه می سازی که آنجا افساد می کند و خون می ریزد. (بقره، ۳۰)

خشونت واژه ای است که از زمان خلقت آدم و جنگ هابیل و قابیل با تاریخ تمدن انسان در هم آمیخته است، هرچند که خود مفهومی کاملاً غیرانسانی و دور از تمدن دارد.

منابع تاریخی و علمی موجود، نمایانگر هزاران جنگ و خونریزی در طول تاریخ تمدن بشریت هستند انسان به اصطلاح متمدن در تمام مدت حضورش بر روی کره خاکی به آزار و اذیت موجودات زنده پرداخته است. (سوهانی، لاله رخ شامبیاتی موسوی، شماره ۳۹، ۲)

امروزه پایه پای پیشرفت و ترقی جوامع بشری مشکلات و گرفتاری های عدیده ای نیز در عرصه حیات انسانی بروز و به اشکال گوناگون آشکار گردیده است. در این رهگذر خشونت یکی از پدیده های منحوس اخلاقی است که با منشاء و ظواهر متفاوت از شخص و جامعه صادر می گردد. استمرار آن در اشکال مختلف فرد و جامعه و خاصه زمامداران را با مشکلات جدی مواجه می سازد.

موضوع خشونت و جایگاه آن در روابط اجتماعی و رابطه حکومت و مردم در دوره مدها بسیار محدود بوده است، ولی در دوران هخامنشی با توجه به این که اصل همزیستی فرهنگی، اجتماعی سازگاری تساهل مذهبی و نژادی به طوری رعایت می شد، پدیده خشونت را به صورتی برجسته نمی بینیم.

در دوران اشکانی نیز چنین همزیستی و سازگاری و تساهلی وجود داشته است، به خصوص آزادی مذاهب، مثل مذهب آناهیتیز، میتراثیسم و زرتشتیسم به پیروی در این دوره شاهد خشونت های